



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



سیره و سخن پیشوایان امام هادی علیه السلام

محمد علی کوشا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیره و سخن پیشوایان - امام هادی (ع)

نویسنده:

محمد علی کوشا

ناشر چاپی:

حلم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	سیره و سخن پیشوایان - امام هادی (ع)
۸	مشخصات کتاب
۸	پرتوی از سیره و سیمای امام علی النقی
۹	قیام‌های علویان
۹	موضع امام هادی درباره‌ی غالیان
۱۰	سخنان امام هادی
۱۱	جبران نقص
۱۱	جایگاه اجابت دعا
۱۱	خدا ترسی
۱۱	اطاعت خیرخواه
۱۱	اوصاف پروردگار
۱۱	اثر بخش خداست، نه روزگار
۱۱	نتیجه‌ی بی‌اعتنایی به مکر خدا
۱۲	تقیه
۱۲	شکر و شاکر
۱۲	دنیا جایگاه آزمایش
۱۲	ستمکار بردبار
۱۲	آدم بی‌شخصیت
۱۲	دنیا جایگاه سود و زیان
۱۲	حسد و خودخواهی
۱۳	پرهیز از تملق
۱۳	جایگاه حسن ظن و سوء ظن

- ۱۳ بهتر از نیکی و زیباتر از زیبایی
- ۱۳ توقع بیجا
- ۱۳ برداشت نیکو از نعمت‌ها
- ۱۳ خشم به زیردستان
- ۱۳ عاق والدین
- ۱۴ تأثیر صله رحم در ازدیاد عمر
- ۱۴ نتیجه‌ی عاق والدین
- ۱۴ بی‌طاقتی در مصیبت
- ۱۴ همراهان دنیا و آخرت
- ۱۴ شوخی بیهوده
- ۱۴ زمان جان دادن
- ۱۴ نتیجه‌ی جدال
- ۱۴ حکمت ناپذیری دل فاسد
- ۱۵ درک لذت در قلت
- ۱۵ اسیر زبان
- ۱۵ تصمیم قاطع
- ۱۵ خشم و کینه‌توزی
- ۱۵ ظهور مقدرات
- ۱۵ خودخواهان مغضوب
- ۱۵ تباهی فقر
- ۱۵ راه پرستش
- ۱۵ آثار گوشتخواری
- ۱۶ یگانگی خدا
- ۱۶ فروتنی

۱۶ پاورقی

۱۷ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

سیره و سخن پیشوایان - امام هادی (ع)

مشخصات کتاب

سرشناسه: کوشا، محمد علی ۱۳۳۱ -

عنوان و نام پدیدآور: سیره و سخن پیشوایان زندگانی چهارده‌معصوم (علیهم السلام و از هر معصوم چهل حدیث تالیف و ترجمه محمد علی کوشا.

مشخصات نشر: قم: علم، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری: ۳۶۰ ص.

شابک: ۳۰۰۰۰ ریال؛ ۳۰۰۰۰ ریال: چاپ دوم ۹۶۴-۸۴۹۰-۱۹-۸

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: **Mohammad Ali Koosha. Attitude and Motto Leaders**.

یادداشت: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۶ (فپا).

یادداشت: کتابنامه ص ۳۵۸ - ۳۵۵؛ همچنین به صورت زیرنویس عنوان دیگر: زندگانی چهارده‌معصوم (علیه السلام و از هر معصوم چهل حدیث

موضوع: چهارده معصوم -- سرگذشتنامه

موضوع: اربعینات -- قرن ۱۴

موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره: BP۳۶/ک۹س۹ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۴-۲۶۷۸۳

پرتوی از سیره و سیمای امام علی النقی

حضرت امام علی النقی، ملقب به هادی، فرزند امام جواد علیه‌السلام در ۱۵ ذی حجه یا شوال سال ۲۱۲ یا ۲۱۴ هجری در مدینه به دنیا آمد. مادرش از مردم مغرب معروف به «سمانه‌ی مغربیه» بوده است. امام هادی علیه‌السلام در حین شهادت پدر بزرگوارش شش سال و پنج ماه داشتند و در مدینه بودند. سال‌های امامت آن حضرت مصادف بوده با قسمتی از خلافت معتصم و تمام خلافت متوکل و منتصر و مستعین، و در زمان خلافت المعتز بالله به شهادت رسیدند، و اینکه بعضی سال شهادت آن حضرت را در زمان خلافت المعتز نوشته‌اند اشتباه است، زیرا در سرتاسر سال ۲۵۴ قمری که سال شهادت آن حضرت است المعتز بالله خلافت داشته است نه المعتز. [۱]. ابن شهر آشوب در مناقب روایت کرده است که آن حضرت پاکدل‌ترین و راستگوترین خلق بود. از نزدیک جذاب‌ترین و ظریف‌ترین افراد، و از دور کامل‌ترین خلق به چشم می‌آمد. وقتی خاموش بود با هیبت و وقار جلوه می‌کرد و در کلامش زیبایی و ملاحظت موج [صفحه ۲۸۶] می‌زد. مانند پدران بزرگوارش در رفتار و مناظرات خود ثابت نمود که عالم‌ترین، خردمندترین، بردبارترین و کریم‌ترین مردم زمان خویش است. [۲] امام هادی پس از شهادت پدر بزرگوارش در محیط پر از خفقان و وحشتی که متوکل عباسی به وجود آورده بود به سختی می‌زیست. خلیفه‌ی غاصب با حمله به یاران امام علیه‌السلام و ویران ساختن قبر حضرت امام حسین علیه‌السلام، شیعیان را بیش از پیش، دچار رعب و وحشت کرد و امام را از آنان دور ساخت و

دستور داد تا آن بزرگوار را به سامرا آوردند. متوکل به وسیله یحیی بن هرثمه، یکی از فرماندهان ارتش خود، نامه‌ای برای امام فرستاد و سپاهی را با یحیی همراه کرد تا به مدینه روند و خانه‌ی امام هادی را بازرسی کنند، بلکه مدرکی بجویند تا آن حضرت را محکوم به توطئه و اقدام علیه دولت کند. هرثمه گوید: سرای امام را بازرسی کردم و در آن جز قرآن و دعا و کتب علمی چیزی نیافتم. هدف متوکل از احضار امام علیه‌السلام به سامرا نزد خود و یارانش، محو کردن او در حاشیه‌ی دربار خلافت بود تا آن حضرت را زیر نظر گیرد. امام علیه‌السلام توجه داشت که سیاست ستمگرانه‌ی آنان به او، روز به روز، تندتر و بیشتر می‌شود، تا جایی که متوکل در پایان حکومت خود، به علت سعایت‌ها و خیرچینی‌ها بر ضد امام علیه‌السلام، او را زندانی کرد. یحیی بن اکثم به متوکل گفت: دوست ندارم پس از پرسش‌های من از این مرد چیزی پرسیده شود، زیرا وقتی آشکار گردد که او دانشمند است رافضیان تقویت می‌گردند. امام علیه‌السلام با کوشش خستگی‌ناپذیر و فراوان، پایگاه‌های مردمی خود را تا سر حد امکان تقویت می‌کرد تا در برابر مشکلات، نیرویی پایدار به دست آورد و مجهز و آماده باشد. برای امام هادی علیه‌السلام از راه‌های پنهان و آشکار، مبالغی از بابت خمس و زکات و خراج می‌رسید که آنها را در مصالح عمومی اسلام به مصرف می‌رسانید تا جنبش فرونشینند. [صفحه ۲۸۷]

قیام‌های علویان

یکی از نگرانی‌های فرمانروایان عباسی در آن روز، شورش علویان بود، که عباسیان در برابر آن موضعی قاطعانه می‌گرفتند تا پیش از رشد و گسترش، آن را در نطفه خفه کنند و بقایای آن را تعقیب نموده و از بین ببرند. در آن هنگام، دولت عباسیان به علت سیاست ظالمانه‌ی خود، دچار ناتوانی و گسیختگی شده بود و از اندک جنبش علویان به هراس می‌افتاد. از این روی، مقابل آنان روشی خشن پیش می‌گرفتند و شورشیان را با بدترین شکنجه‌ها آزار می‌دادند. شورشیان علوی اگر در خود احساس قدرتی می‌کردند و پیروانی فراهم می‌آوردند، در می‌یافتند که باید برنامه‌ای تهیه کنند و نقشه‌ای طرح نمایند تا بر ضد حکمرانان فاسد و منحرف، قیام کنند. در بیشتر شورش‌ها با شعار رضا از آل محمد مردم را فرامی‌خواندند و منظورشان از آن شعار، بهترین شخص از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بود و به اعتقاد آنان در آن زمان کسی بهتر از حضرت امام هادی علیه‌السلام وجود نداشت. [۳].

موضع امام هادی درباره‌ی غالیان

تمامی ائمه علیه‌السلام و شیعیان آنها، برخوردی روشن و در عین حال قاطع با افراط و تفریطها داشته و از کسانی که درباره‌ی اهل بیت غلو می‌کرده و آنها را به مقام خدایی می‌رساندند، به شدت بیزاری می‌جستند. امام هادی فرموده است: کفر بر چهار بنیاد استوار یافته است: فسق، غلو، شک و شبهه. ائمه علیهم‌السلام همواره پافشاری داشتند که هیچ گونه رابطه و پیوند میان ایشان و سران غلات وجود ندارد و اعلام می‌داشتند که این سران، بر ایشان دروغ می‌بندند. غالیان، احادیث را خود وضع می‌کردند و آنها را در میان گفته‌های امامان وارد می‌کردند. جعل حدیث و نسبت دادن آن به ائمه، از یک سو باعث فراهم آمدن یاران و پیروانی برای آنها [صفحه ۲۸۸] می‌شد و از سوی دیگر کمکشان می‌کرد تا در ویران کردن شرع و مشوه کردن آن موفق‌تر باشند و همین ویژگی در تبلیغات غالیان، از همه نمایان‌تر بود. برای همین بود که ائمه علیهم‌السلام همواره سعی می‌کردند این جنبه‌ها را افشا کرده و نظر خود را درباره‌ی اهل غلو پخش کنند و روایات خویش را بشناسانند. بر اثر برخورد حضرت امام صادق علیه‌السلام با غالیان، مدتی فعالیت آنها فروکش کرد، ولی آنان در زمان امام هادی علیه‌السلام دوباره پا گرفتند. به نظر می‌رسد که آنان، محیط را در دوره‌ی امام هادی برای از سرگیری و علنی ساختن تلاشهای خود مناسب دیدند و این دعوت آنها، در میان دشمنان اسلام با استقبال

رو به رو شد. از جمله‌ی غالیان حسن بن محمد معروف به ابن بابا و محمد بن نصیر و فارس بن حاتم قزوینی است که امام هادی آنها را لعنت کرد و یاران خود و مسلمانان را از توطئه‌ها و نیرنگ‌هایشان بر حذر داشت. محمد بن نصیر قائل به تناسخ و غلو درباره‌ی آن حضرت گردید و خود به عنوان فرستاده‌ی او، حرام‌ها را حلال می‌نمود! امام هادی علیه‌السلام نیز طی نوشته‌ای به یاران خود، مسلمانان را از وی بر حذر داشتند. آن حضرت پس از شهادت پدر، بیش از بیست سال در مدینه باقی ماند. مردم به او علاقه‌ی فراوان نشان می‌دادند و به دورش گرد می‌آمدند و علما و دانش‌طلبان در محضر ایشان جمع می‌شدند. بریحه‌ی عباسی یکی از یاران متوکل به او نوشت: اگر می‌خواهی حرمین را از دست ندهی، علی بن محمد (امام هادی) را از آنجا بیرون کن، چرا که او مردم را به خود فرا می‌خواند و خلق بسیاری از او پیروی می‌کنند. مسعودی در مروج الذهب می‌نویسد: گروهی از درباریان متوکل به سعایت امام هادی علیه‌السلام نزد متوکل پرداخته و به او گفتند که در خانه‌اش اموال و سلاح و نامه‌هایی از شیعیان اوست که وی را به قیام دعوت کرده‌اند و او نیز در تدارک این کار است. متوکل نیز عده‌ای ترک و غیر ترک را به سراغ حضرت فرستاد که در دل شب به خانه‌اش یورش بردند، او را تنها در خانه یافتند، قبایی بافته از موی بز بر تن داشت و در خانه‌اش چیزی از اثاث و فرش یافت نمی‌شد، ملافه‌ای پشمی بر سر داشت و آیات قرآنی مربوط به وعد و [صفحه ۲۸۹] وعید الهی را زیر لب تلاوت می‌کرد. حضرت را به همان سان که دیده بودند نزد متوکل بردند و او در حالی به حضور متوکل رسید که خلیفه مشغول میگساری بود و جام می به دست داشت. وقتی متوکل حضرت را دید گرامی‌اش داشت و کنار خود نشاند. در خانه امام هادی علیه‌السلام چیزی از آنچه به او گفته بودند یافت نشده بود و هیچ بهانه‌ای هم نمی‌شد از امام گرفت. متوکل جامی را که در دست داشت به حضرت داد! حضرت فرمود: ای امیرالمؤمنین! تو را به خدا! گوشت و خون من هرگز با می آلوده نشده است، مرا از آن معاف دار. متوکل ایشان را معاف داشت. آنگاه گفت: برایم شعر بخوان. حضرت فرمود: انی قلیل الروایة للشعر؛ من چندان گوینده‌ی شعر نیستم. متوکل گفت: چاره‌ای جز این نیست. حضرت چون چنین دید این اشعار را که مشتمل بر ناپایداری دنیا، مرگ سلاطین و ذلت آنان در عالم برزخ است، در آن مجلس خواندند: ۱- باتوا علی قلل الأجدال تحرسهم غلب الرجال فلم تنفعهم القلل ۲- و استزلوا بعد عز من معاقلهم و اسکنوا حفرا یا بسما نزلوا ۳- ناداهم صارخ من بعد دفنهم أین الأساور و التیجان و الحلل ۴- أین الوجوه التي كانت منعمة من دونها تضرب الأستار و الکلل ۵- فأفصح القبر عنهم حين سائلهم تلك الوجوه علیها الدود تنتقل ۶- قد طال ما أكلوا دهرا و قد شربوا و أصبحوا اليوم بعد الأکل قد أكلوا [۴]. ترجمه‌ی این اشعار چنین است: ۱- بر قله‌های کوهسار شب را به روز آوردند و مردان نیرومند از آنان پاسداری کردند، ولی قله‌ها سودی به آنان نرساندند. ۲- پس از عزت، از جایگاههای امن پایین کشیده شدند، و در گودالهای گور جایشان دادند، وه! چه منزلگاه ناپسندی! [صفحه ۲۹۰] ۳- پس از آن که به خاک سپرده شدند، فریادگری فریاد برآورد: کجاست آن دستبندها و تاجها و لباس‌های فاخر؟! ۴- کجاست آن چهره‌های به ناز و نعمت پرورده، که به احترامشان پرده‌ها و روپوش‌ها می‌آویختند؟! ۵- گور، به جای ایشان پاسخ داد: بر آن چهره‌ها، هم اکنون کرمها راه می‌روند! ۶- روزگاری دراز، خوردند و نوشیدند! ولی اکنون خود، طعمه‌ی [جانوران قبر] شده‌اند! تأثیر کلام امام علیه‌السلام چندان بود که متوکل به سختی گریست، چندان که ریشش خیس شد و دیگر مجلسیان نیز گریستند! متوکل دستور داد بساط شراب را جمع کنند و امام را با احترام به منزل بازگردانند. این گونه بر خوردها نمونه‌ای از صدها نوع آزاری است که خلیفه‌ی غاصب عباسی درباره‌ی امام هادی علیه‌السلام روا می‌داشت. از آن حضرت فرزندان چون امام حسن عسکری علیه‌السلام و حسین و محمد و جعفر و دختری به نام عایشه بر جای ماند. سخنان گهربار حضرت هادی علیه‌السلام مشتمل بر نکات تربیتی فراوان است. از میان آن کلمات نورانی، چهل حدیث را برگزیدم که، هر کدام در موضوع خود، می‌تواند راهگشای مشکلات و درسی حیات بخش برای انسانهای هدفدار و کمال‌جو باشد. امید است که این مجموعه، مورد استفاده‌ی شیفتگان مکتب حضرتش قرار گیرد. [صفحه ۲۹۱]

جبران نقص

لبعض موالیه: عاتب فلانا و قل له: ان الله اذا اراد بعبد خيرا اذا عوتب قبل. [۵]. امام علی النقی علیه السلام به یکی از دوستانش فرمود: فلانی را توبیخ کن و به او بگو: خداوند چون خیر بنده‌ای خواهد، هر گاه توبیخ شود، بپذیرد. [و در صدد جبران نقص خود بر آید].

جایگاه اجابت دعا

ان الله بقاعا يحب أن يدعى فيها فيستجيب لمن دعاه و الحير منها. [۶]. خدا را بقعه‌هاست که دوست دارد در آنها دعا شود تا دعای کسی را که وی را خوانده است به اجابت رساند، و بارگاه امام حسین علیه السلام از آن جمله باشد.

خدا ترسی

من اتقى الله يتقى، و من أطاع الله يطاع، و من أطاع الخالق لم يبال سخط المخلوقين، و من أسخط الخالق فليقن أن يحل به سخط المخلوقين. [۷]. هر کس از خدا بترسد، مردم از او بترسند، و هر که خدا را اطاعت کند، از او [صفحه ۲۹۲] اطاعت کنند، و هر که مطیع آفریدگار باشد، باکی از خشم آفریدگان ندارد، و هر که خالق را به خشم آورد، باید یقین کند که به خشم مخلوق دچار می‌شود.

اطاعت خیرخواه

من جمع لك وده و رأيه فاجمع له طاعتك. [۸]. هر که دوستی و نظر نهایی‌اش را برای تو همه جانبه گرداند، طاعتت را برای او همه جانبه گردان.

اوصاف پروردگار

ان الله لا- يوصف الا- بما وصف به نفسه. و أنى يوصف الذى تعجز الحواس أن تدركه و الأوهام أن تناله و الخطرات أن تحده و الأبصار عن الاحاطة به؟! نأى فى قربه و قرب فى نأيه. كيف الكيف بغير أن يقال: كيف. و أين الأين بلا- أن يقال: أين. هو منقطع الكيفية و الأينية، الواحد الأحد، جل جلاله و تقدست أسماؤه. [۹]. بی گمان که خدا، جز بدانچه خودش را وصف کرده، وصف نشود. کجا وصف شود آنکه حواس از درکش عاجز است، و تصورات به کنه او پی نبرند، و در دیده‌ها ننگند؟ او با همه نزدیکی‌اش دور است و با همه دوری‌اش نزدیک. کیفیت و چگونگی را پدید کرده، بدون اینکه خود کیفیت و چگونگی داشته باشد. مکان را آفریده بدون اینکه خود مکانی داشته باشد. او از چگونگی و مکان برکنار است. یگانه‌ی یکتاست، شکوهش بزرگ و نامهایش پاکیزه است. [صفحه ۲۹۳]

اثر بخش خداست، نه روزگار

لا تعد و لا تجعل للأيام صنعا فى حكم الله. [۱۰]. از حد خود تجاوز نکن و برای روزگار هیچ اثری در حکم خدا قرار نده.

نتیجه‌ی بی‌اعتنایی به مکر خدا

من أمن مکر الله و أليم أخذہ، تکبر حتی یحل به قضاؤه و نافذ أمره، و من کان علی بینة من ربه هانت علیه مصائب الدنيا و لو قرض و نشر. [۱۱]. هر که از مکر خدا و مؤاخذه‌ی دردناکش آسوده زید، تکبر پیشه کند تا قضای خدا و امر نافذش او را فراگیرد، و هر که بر طریق خداپرستی، محکم و استوار باشد، مصائب دنیا بر وی سبک آید و اگر چه مقراض شود و ریز ریز گردد.

تقیه

لو قلت ان تارک التقیة کتارک الصلوة لکننت صادقا. [۱۲]. اگر بگویم کسی که تقیه را ترک کند مانند کسی است که نماز را ترک کرده، هر آینه راست گفته‌ام.

شکر و شاکر

الشاکر أسعد بالشکر منه بالنعمة التي أوجبت الشکر لأن النعم متاع و الشکر نعم و عقبی. [۱۳]. [صفحه ۲۹۴] شخص شکرگزار، به سبب شکر، سعادت‌مندتر است تا به سبب نعمتی که باعث شکر او شده است؛ زیرا نعمت‌ها کالای دنیایند ولی شکر، هم نعمت دنیاست و هم نعمت آخرت.

دنیا جایگاه آزمایش

ان الله جعل الدنيا دار بلوی و الآخرة دار عقبی و جعل بلوی الدنيا لثواب الآخرة سببا و ثواب الآخرة من بلوی الدنيا عوضا. [۱۴]. همانا که خداوند دنیا را سرای امتحان و آزمایش ساخته و آخرت را سرای رسیدگی قرار داده است، و بلای دنیا را وسیله‌ی ثواب آخرت، و ثواب آخرت را عوض بلای دنیا قرار داده است.

ستمکار بردبار

ان الظالم الحالم یکاد أن یعفی علیه بحلمه. و ان المحق السفیه یکاد أن یطفیء نور حقه بسفهه. [۱۵]. به راستی ستمکار بردبار، بسا که به وسیله‌ی حلم و بردباری خود از ستمش گذشت شود، و حقدار نابخرد بسا که به سفاهت خود نور حق خویش را خاموش گرداند.

آدم بی‌شخصیت

من هانت علیه نفسه فلا تأمن شره. [۱۶]. هر که خود را سبک شمارد از گزند او ایمن مباش. [صفحه ۲۹۵]

دنیا جایگاه سود و زیان

الدنيا سوق ربح فیها قوم و خسر آخرون. [۱۷]. دنیا بازاری است که گروهی در آن سود برند و دسته‌ای زیان بینند.

حسد و خودخواهی

ألحسد ما حق الحسنات، و الزهو جالب المقمت، و العجب صارف عن طلب العلم وداع الی الغمط و الجهل، و البخل أدم الأخلاق و الطمع سچیة سیئة. [۱۸]. حسد، نیکویی‌ها را نابود سازد، و دروغ، دشمنی آورد، و خودپسندی، مانع از طلب دانش و خواهنده‌ی

خواری و جهل گردد، و بخل، ناپسندیده‌ترین خلق و خوی است، و طمع، خصلتی ناروا و ناشایست است.

پرهیز از تملق

قال أبو الحسن الثالث عليه السلام لرجل و قد أكثر من افراط الثناء عليه: أقبل على شأنك، فان كثرة الملق يهجم على الظنة و اذا حلت من أخيك في محل الثقة، فاعدل عن الملق الى حسن النية. [۱۹]. امام هادی علیه‌السلام به کسی که در ستایش از ایشان افراط کرده بود فرمودند: از این کار خودداری کن که مدح و ثنای بسیار، بدگمانی به بار می‌آورد و اگر اعتماد برادر مؤمنت از تو سلب شد از تملق او دست بردار و حسن نیت نشان ده. [صفحه ۲۹۶]

جایگاه حسن ظن و سوء ظن

اذا كان زمان العدل فيه أغلب من الجور فحرام أن يظن بأحد سوء حتى يعلم ذلك منه، و اذا كان الجور أغلب فيه من العدل فليس لأحد أن يظن بأحد خيرا ما لم يعلم ذلك منه. [۲۰]. هر گاه در زمانه‌ای عدل بیش از ظلم رایج باشد، بدگمانی به دیگری حرام است، مگر آن که [آدمی] بدی از کسی ببیند. و هر گاه در زمانه‌ای ظلم بیش از عدل باشد، تا وقتی که [آدمی] خیری از کسی نبیند، نباید به او خوشبین باشد.

بهرتر از نیکی و زیباتر از زیبایی

خير من الخير فاعله، و أجمل من الجميل قائله، و أرجح من العلم حامله، و شر من الشر جالبه، و أهول من الهول راکبه. [۲۱]. بهتر از نیکی، نیکوکار است، و زیباتر از زیبایی، گوینده‌ی آن است، و برتر از علم، حامل آن است، و بدتر از بدی، عامل آن است، و وحشتناک‌تر از وحشت، آورنده‌ی آن است.

توقع بیجا

لا تطلب الصفا ممن كدرت عليه، و لا الوفاء لمن غدرت به، و لا النصيح ممن صرفت سوء ظنك اليه، فانما قلب غيرك كقلبك له. [۲۲] از کسی که بر او خشم گرفته‌ای، صفا و صمیمیت نخواه، و از کسی که به وی خیانت کرده‌ای وفا مطلب، و از کسی که به او بدین شده‌ای انتظار خیرخواهی نداشته باش، که دل دیگران برای تو همچون دل تو برای آنهاست. [صفحه ۲۹۷]

برداشت نیکو از نعمت‌ها

ألقوا النعم بحسن مجاورتها و التمسوا الزيادة فيها بالشكر عليها، واعلموا أن النفس أقبل شيء لما أعطيت و أمتع شيء لما منعت. [۲۳]. نعمت‌ها را با برداشت خوب از آنها به دیگران ارائه دهید و با شکرگزاری افزون کنید، و بدانید که نفس آدمی رو آورنده‌ترین چیز است به آنچه به او بدهی، و بازدارنده‌ترین چیز است از آنچه که از او بازداری.

خشم به زیردستان

الغضب على من تملك لؤم. [۲۴]. خشم بر زیردستان از پستی است.

عاق والدین

العقوق ثكل من لم یتكل. [۲۵]. نافرمانی فرزند از پدر و مادر، داغ داغ نادیده است.

تأثیر صله رحم در ازدیاد عمر

ان الرجل لیكون قد بقی من أجله ثلاثون سنة فیکون وصولا لقرابته وصولا لرحمه، فیجعلها الله ثلاثه و ثلاثین سنة، و انه لیكون قد بقی من أجله ثلاث و ثلاثون سنة فیکون عاقا لقرابته قاطعا لرحمه، فیجعلها الله ثلاث سنین. [۲۶]. [صفحه ۲۹۸] چه بسا شخصی که مدت عمرش مثلا سی سال مقدر شده باشد ولی به خاطر صله‌ی رحم و پیوند با خویشاوندانش، خداوند عمرش را به ۳۳ سال برساند. و چه بسا کسی که مدت عمرش ۳۳ سال مقدر شده باشد، اما به خاطر آزردهن خویشاوندان و قطع رحمش، خداوند عمرش را به سه سال برساند!

نتیجه‌ی عاق والدین

العقوق یعقب القله و یؤدی الی الذلة. [۲۷]. نارضایتی پدر و مادر، کمی روزی را به دنبال دارد و آدمی را به ذلت می‌کشاند.

بی‌طاقتی در مصیبت

المصیبه للصابر واحده و للجازع اثنان. [۲۸]. مصیبت برای صابر یکی است و برای کسی که بی‌طاقتی می‌کند دو تاست.

همراهان دنیا و آخرت

الناس فی الدنیا بالأموال و فی الآخرة بالأعمال. [۲۹]. مردم در دنیا با اموالشان و در آخرت با اعمالشان هستند.

شوخی بیهوده

الهلزل فکاهه السفهاء و صناعة الجهال. [۳۰]. مسخرگی، تفریح سفیهان و کار جاهلان است. [صفحه ۲۹۹]

زمان جان دادن

أذکر مصرعک بین یدی أهلك، و لا طیب یمنعک و لا حیب ینفعک. [۳۱]. وقت جان داندت نزد خانواده‌ات را به یاد آر که در آن هنگام طبیعی جلوگیر مرگت و دوستی نفع رسانت نباشد.

نتیجه‌ی جدال

أمرأ یفسد الصداقه القدیمة و یحلل العقده الوثیقه و أقل ما فیہ أن تكون فیہ المغالبه و المغالبه أس أسباب القطیعه. [۳۲]. جدال، دوستی قدیمی را تباه می‌کند و پیوند اعتماد را می‌گشاید و کمترین چیزی که در آن است غلبه بر دیگری است، که آن هم سبب جدایی می‌شود.

حکمت ناپذیری دل فاسد

ألحکمه لا تنجع فی الطباع الفاسده. [۳۳]. حکمت، اثری در دلهای فاسد نمی‌گذارد.

درک لذت در قلت

ألسهر ألد للمنام و الجوع یزید فی طیب الطعام. [۳۴]. شب بیداری، سبب لذت بخشی خواب، و گرسنگی سبب خوش خوراکی در طعام ناب است. [صفحه ۳۰۰]

اسیر زبان

راكب الحرون أسیر نفسه، و الجاهل أسیر لسانه. [۳۵]. کسی که بر اسب سرکش سوار است اسیر هوای نفس خویش، و نادان، اسیر زبان خویش است.

تصمیم قاطع

أذكر حسرات التفریط بأخذ تقدیم الحزم. [۳۶] افسوس کوتاهی در انجام کار را با گرفتن تصمیم قاطع جبران کن.

خشم و کینه‌توزی

ألعتاب مفتاح الثقال، و العتاب خیر من الحققد. [۳۷]. خشم و تندی، گشاینده‌ی گرانباری و سنگینی است ولی در عین حال، خشم بهتر از کینه‌توزی است.

ظهور مقدرات

ألمقادیر تریک ما لا یخطر ببالک. [۳۸]. مقدرات چیزهایی را بر تو نمایان می‌سازد که به فکر تخطور نکرده است.

خودخواهان مغضوب

من رضی عن نفسه کثر الساخون علیه. [۳۹]. [صفحه ۳۰۱] هر که از خود راضی باشد، خشمگیران بر او زیاد خواهند بود.

تباهی فقر

ألفقر شره النفس و شدء القنوط. [۴۰]. فقر، مایه‌ی آزمندی نفس و سبب اوج ناامیدی است.

راه پرستی

لو سلک الناس وادیا شعبا لسلکت وادی رجل عبدالله وحده خالصا. [۴۱]. اگر مردم به راههای گوناگونی روند، من به راه کسی که تنها خدا را خالصانه می‌پرستد خواهم رفت.

آثار گوشتخواری

من ترک اللحم أربعین صباحا ساء خلقه و من أکل اللحم أربعین صباحا ساء خلقه. [۴۲]. کسی که چهل روز گوشت نخورد بد خلقی پیدا کند، و کسی که چهل روز پی در پی نیز گوشت بخورد اخلاقش بد شود.

یگانگی خدا

لم یزل الله وحده لا شیء معه، ثم خلق الأشياء بدیعا و اختار لنفسه أحسن الأسماء. [۴۳] [صفحه ۳۰۲] خداوند از ازل تنها بود و چیزی با او نبود، سپس اشیاء را به صورت نوظهور آفرید و برای خودش بهترین نامها را برگزید.

فروتنی

التواضع أن تعطي الناس ما تحب أن تعطاه. [۴۴]. فروتنی آن است که به مردم، آن بخشی، که دوست داری به تو چنان بخشند. (کنایه از اینکه: با مردم چنان کن که دوست داری با تو چنان کنند).

پاورقی

- [۱] دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۷۰.
- [۲] همان.
- [۳] پیشوایان ما، ص ۲۶۰.
- [۴] احقاق الحق، ج ۱۲، ص ۴۵۴. و نیز منتهی الآمال، ج ۲، ص ۶۷۶؛ دیوان امام علی، ص ۴۳۰ - ۴۲۴، با ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی.
- [۵] تحف العقول، ص ۴۸۱.
- [۶] همان، ص ۴۸۲.
- [۷] پیشین، ص ۴۸۲.
- [۸] همان، ص ۴۸۳.
- [۹] همان، ص ۴۸۲.
- [۱۰] تحف العقول، ص ۴۸۳.
- [۱۱] همان، ص ۴۸۳.
- [۱۲] همان، ص ۴۸۳.
- [۱۳] تحف العقول، ص ۴۸۳.
- [۱۴] همان، ص ۴۸۳.
- [۱۵] همان، ص ۴۸۳.
- [۱۶] تحف العقول، ص ۴۸۳.
- [۱۷] همان، ص ۴۸۳.
- [۱۸] مسند الامام الهادی، ص ۳۰۲.
- [۱۹] مسند الامام الهادی، ص ۳۰۲.
- [۲۰] همان، ص ۳۰۴.
- [۲۱] مسند الامام الهادی، ص ۳۰۴.
- [۲۲] همان، ص ۳۰۵.

- [۲۳] همان، ص ۳۰۵.
- [۲۴] مسند الامام الهادی، ص ۳۰۴.
- [۲۵] همان، ص ۳۰۴.
- [۲۶] همان، ص ۳۰۳.
- [۲۷] همان، ص ۳۰۳.
- [۲۸] پیشین، ص ۳۰۴.
- [۲۹] همان، ص ۳۰۴.
- [۳۰] همان، ص ۳۰۴.
- [۳۱] همان، ص ۳۰۴.
- [۳۲] پیشین، ص ۳۰۴.
- [۳۳] پیشین، ص ۳۰۴.
- [۳۴] همان، ص ۳۰۴.
- [۳۵] همان، ص ۳۰۴.
- [۳۶] پیشین، ص ۳۰۴.
- [۳۷] همان، ص ۳۰۴.
- [۳۸] همان، ص ۳۰۳.
- [۳۹] همان، ص ۳۰۳.
- [۴۰] بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۶۸.
- [۴۱] همان، ج ۷۸، ص ۲۴۵.
- [۴۲] همان، ج ۵۶، ص ۳۲۶.
- [۴۳] همان، ج ۵۷، ص ۸۳.
- [۴۴] محجۀ البیضاء، ج ۵، ص ۲۲۵.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید
 بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی
 آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در
 دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه
 الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن

خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

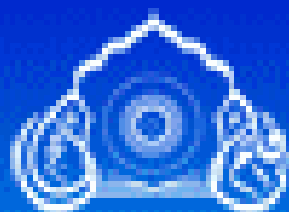
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

